

صفحه ۱۹ شماره ۱۹

روزگار نو

این نشریه در خدمت آزادی و حق حاکمیت ملت ایران است

ماهنامهء مرداد (اسد) ۱۳۷۳

دفتر ششم - سال سیزدهم - شمارهء مسلسل ۱۵۰

در این غوغای افسونگر،
چو مرغان بهاری بی قرار استم
دلَم می گیرد از خانه،
دلَم می گیرد از افکار آسوده
و از گفتار طوطی وار بیهوده،
دلَم می گیرد از اخبار روزانه!
گراز بازارگرم و جنگ سرد این و آن باشد
نه از راز شکوفائی نیروهای انسانی.

فضائی باز میخواهم،
که همچون آسمان ها بیکران باشد
و دنیائی که از انسان
نخواهد قتل و قربانی.
«زاله اصفهانی»

سازمانی که یا لُنْگ می اندازد یا توی آب میخوابد



برادرزاده ام که برای نگهداری عمومی پیرش مدتی است با من همخانه شده، این وضع را می بیند خیال میکند که من جان به جان آفرین سپرده ام و با تلفن از اداره امدادهای فوری میخواند که خود را بسرعت بمنزل ما برسانند... و آنها وقتی می آیند و می بینند که من هنوز زنده ام، مرا به کلینیک «ژنرال دو بولیو» که نزدیک خانه امان است میرسانند و نشان به آن نشانی که چند هفته در آنجا بستری بودم تا رفته رفته سالم بهتر شد و حالا مرا به منزل آورده اند و گرچه هنوز هم سخت ناتوان و ضعیف هستم... ولی چاره چیست باید تحمل کرد و بعد در نهایت علاقه و دلسوزی حال خود را فراموش کرده و سراغ حال و روز روزگارتو را گرفته بودند که «خدا بخواد دچار مشکلات نشده باشد»... در جوابی که برایشان می نوشتم ضمن ابراز خوشوقتی از رفع خطر، هر قدر سخن حافظ را، تعارفی خلاف واقعیت یافتم که: «سلامت همه آفاق در سلامت توست/ به هیچ عارضه، شخص تو دردمند مباد» این سخن سعدی را، عین واقعیت دیدم که: «سعدیا مرد نکونام نمیرد هرگز/ مرده آنست که نامش به نکوئی نبرند»... که ژاله اصفهانی آن را بصورت تازه تری مطرح کرده است که:

دوران سپری گردد و خورشید بماند
گویند، نویسنده دو تاریخ ندارد:
کی آمد و کی رفت ز دنیا
زیرا که هنرمند توانا،
یک دم به جهان آید و جاوید بماند.

۹ ژوئیه (۱۸ تیر)
دوست نادیده ای از «آتلانتا»

کمتر از شش ماه، سه کشیش مسیحی در تهران کشته شده اند که جمهوری اسلامی سعی دارد این جنایات را بگردن مجاهدین خلق بیاندازد و اینطور وانمود کند که آنها میخوانند بدین ترتیب افکار عمومی دنیای مسیحیت را، علیه جمهوری اسلامی بشورانند و حتی مدعی است که قاتل میکائیلیان و دیباج را، که از عوامل مجاهدین خلق و دختر ۲۶ ساله ای بنام «فرحناز انامی» می باشد، در زاهدان هنگامی که قصد خروج از کشور را داشته دستگیر کرده است... این ادعا چقدر درست است؟ دیر یا زود معلوم خواهد شد. ولی رژیمی که تا حال هر جنایتی را که مرتکب شده، آن را به گردن دیگران انداخته، بسیار بعید می نماید که این بار استثنائاً راست بگوید... بخصوص که خبرگزاری رسمی جمهوری اسلامی، طوری خبر این جنایات را منعکس کرده است که گویی آنچه بر سر این پیشوایان مذهبی جماعتی از مسیحیان تبعه ایران آمده، حقشان بوده است و حتی بعنوان تظاهر هم از جانب این «ملا» های دست اندرکار، هیچگونه ابراز تأثر و تأسفی از مرگ این باصطلاح «همقطاریها»ی مسیحی اشان، بعمل نیامده است.

۸ ژوئیه (۱۶ تیر)

از استاد جمال زاده عزیز نامه ای داشتم بدین خلاصه که: چهل پنجاه روز پیش از این، نمی دانم چه شده بود که نیمه شب، از رختخواب درآمده و براه افتاده بودم و بعد در دالان تاریک خانه بر اثر اصابت سرم به دیوار مقابل، بناچار همانجا بیهوش و روی دنده، چپ نقش زمین شده بودم... بطوریکه وقتی منیره